



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۰۱/۱۳

میر عبدالواحد سادات

## بزرگان و سابقه داران موسیقی در خواری و بیچاره گی

در مورد جایگاه هنرموسیقی زیاد شنیده ایم و میدانیم که از افلاطون و ارسطو و تا هینگل و شوپنهاور در مورد سخن گفته اند و دوستدار آن بوده ، و همه بر « تأثیر عمیق موسیقی بر روح انسان » تاکید و انرا « غذای روح » و « زبان روح » خوانده اند .

در سرزمین ما ، موسیقی از دوره آریانا و ملیودی های اوستا ، تا ابو نصر فارابی و ابن سینا که در کتاب «قانون» از « درمان موسیقی » صحبت و تجربه نموده و فرهنگ سالاران و شعرای بزرگ که از رودکی ، تا فرخی سیستانی و ناصر خسرو بلخی و... امیر علی شیر نوایی و خوشحال خان خټک و حضرت مولانا که عرفان و تصوف ان با موسیقی گره خورده و انرا « بیان عشق » گفته است :

این علم موسیقی بر من چون شهادت است  
چون مومنم شهادت و ایمانم ارزوست

البته موسیقی و اهل هنر در دربار و دولتها ، قبل از اسلام و بعد از آن ، دوره های ، غزنویان و سلجوقیان و ... تا رباب نوازی عبدالرحمن خان و حشر و نشر پسرانش حبیب الله خان و نصر الله خان با موسیقی و شاگردی شاه امان الله نزد استاد قاسم افغان و دوستی بینظیر ایندو با هم و علاقه آخرین پادشاه افغانستان به موسیقی و ورود شان به اسرار این هنر که ، حتی کمپوز ها ساخته است .

اما در عمل، صادقانه باید اعتراف نمایم:

در حالیکه همه ما مرهون اهل موسیقی و هنرمندان خود هستیم ، مدیون آنان و شاهدان زنده تراژیدی هنر و اربابان موسیقی نیز می باشیم .

در دو دهه اخیر، صحبت از سرازیر شدن صد ها ملیارد دالر در افغانستان می شود و کم نیستند هنر ستیزان و دشمنان موسیقی که اکنون به برکت این پول های باد آورده ، زندگی « فارونی » و فرعونی پیدا نموده و بر زمین و زمان فخر می فروشند و ملیارد ها دالر بخاطر محافظت از آنان و خرج دسترخوان شان میگردد .  
در حالیکه در همین مدت جنازه شهنشاه غزل خوانی کشور استاد رحیم بخش فقید، بکمک دوستداران هنر او و هزار و یک مشکل بکابل منتقل و مسؤلان پرسیان مریضی هنرمند بی بدیل « امانی » و دهها دیگر را در مجموع کشور نمی نمایند و استاد گدا محمد هروی دوتار نواز معروف در عدم توجه مقامات جاودانه گردید:

زمانه بی هنری می خرد ، زمان هنر نیست  
گناه رفته ببخشاش و فارغ از هنرم کن

دیروز گذارش عیادت برنامه ساز ارجمند ، آقای ضمیر کابلی را از هنرمند بی بدیل ، استاد سلام لوگری فرزند و شاگرد ممتاز بنیادگذار مکتب موسیقی کلیوالی لوگری در یوتوپ دیدم . در حالیکه از ابتکار شخصی جوان با احساس باید قدردانی نمائیم ، دیدن خانه فقیرانه و کلوخی استاد در یکی از قریه های دور افتاده ولایت لوگر و احوال مریضی و ناگوار او ، سخت زجر دهنده است :

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی



استاد امانی



استاد سلام لوگری

### تا زدم لاف هنر خواجه به هیچم نخريد بی هنر شو که هنر هاست ، درین بی هنری

در قانون اساسی کشور و در فقره اول ماده ( ۴۷ ) ان مسجل است که :  
« دولت برای پیشرفت علم ، فرهنگ ، ادب و هنر پروگرام های موثر طرح می نماید » و همچنان « قانون حمایت حقوق مولف ، مصنف ، هنر مند و محقق » نافذ است که که ، در فقره اخیر ماده ( ۵۳ ) ان ، از تضمین دولت برای حقوق متقاعدین این عرصه ها ، حکم مینماید ، که متاسفانه در عمل به تاق نسیان سپرده شده و دولت به مکلفیت های خود عمل نکرده است .

حمایت و مواظبت از اهل موسیقی ، هنرمندان و بخصوص بزرگان و استادان این هنر والا ، رسالت انسانی ، مدنی و يك وجیبه ملی است .

#### بدینرو :

بسیار ضرور است ، تا پاسداران هنر و قدرشناسان حق و حقوق هنرمندان ، صدای شانرا بخاطر قدر شناسی از هنرمندان مستمند و استادان بزرگ موسیقی کشور بلند نمایند .

چه خوب است که انستیتوت موسیقی افغانستان و رئیس بزرگوار و غمخوار هنر و هنرمندان ، جناب دوکتور سرمست، اتحادیه های هنرمندان در امریکا و اروپا جناب علم و جناب دژم در اشتراك مساعی ، راه های عملی کمک رسانی به این حقداران ما ، زمینه های عملی و ارسی ازین بزرگان و خادمان صادق وطن را مطرح فرمایند .  
اگر گوش شنوایی در وزارت اطلاعات و کلتور که مسؤلیت مستقیم درین عرصه را عهده دار است ، باید متوجه وجایب قانونی و ملی شان گردند .

با حرمت